

## ۱- رنسانس چیست و معنای لغوی آن را بنویسید .

رنسانس Renaissance به معنای نوزایی و تجدید حیات است و از نظر تاریخی به دگرگونی های فکری

و فرهنگی گفته می شود که به منظور ( احیای فرهنگ یونان و روم ) ، از ایتالیا آغاز شد و به تدریج در بخش های دیگر اروپا گسترش یافت ( سده های ۱۴ - ۱۷ م ) . رنسانس به تغییر و تحولات اساسی در جنبه های مختلف ( فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ) جوامع اروپایی در عصر جدید ۱۵۰۰ - ۱۸۰۰ م انجامید و پایه های تمدن نوین مغرب زمین را بنیان نهاد .

## ۲- مهمترین زمینه ها و عوامل ظهور رنسانس را بنویسید .

۱- رشد شهرنشینی و تجارت

۲- گسترش روابط فرهنگی با جهان اسلام

۳- پیشینه فرهنگی و تاریخی

## ۳- رنسانس چیست و چگونه در اروپا آغاز شد ؟

در قرن ( ۱۴ م ) هنگامی که فرهنگ قرون وسطایی بر سراسر اروپا سیطره داشت ، گروهی از نویسندگان و اندیشمندان که در شهرهای ثروتمند ایتالیا می زیستند ، هدایت جریان فکری و فرهنگی را به دست گرفتند و تفکروسبک جدیدی از زندگی را پی ریزی کردند . این تفکروسبک جدید زندگی که اساس آن بر ( نوزایی و تجدید حیات فرهنگ یونان و روم باستان ) قرار داشت به رنسانس معروف شد . رنسانس به تدریج در دیگر سرزمین های اروپایی گسترش یافت .

## ۴- به چه دلایلی ایتالیا خاستگاه نهضت رنسانس محسوب می شود ؟

در قرن ( ۱۴ م ) هنگامی که فرهنگ قرون وسطایی بر سراسر اروپا سیطره داشت ، گروهی از نویسندگان و اندیشمندان که در شهرهای ثروتمند ایتالیا می زیستند ، هدایت جریان فکری و فرهنگی را به دست گرفتند و ( تفکروسبک جدیدی از زندگی ) را پی ریزی کردند .

## ۵- تاثیر جنگهای صلیبی بر رشد شهرها و رونق تجارت در مناطق ساحلی اروپا چه بود ؟

از سده ( ۱۱ م ) شهرنشینی و تجارت به تدریج در پیوندي تنگاتنگ با یکدیگر دوباره رونق گرفت . جنگهای صلیبی ، تاثیر فراوانی بر رشد شهرها و تجارت ، به ویژه در مناطق ساحلی اروپا گذاشت . تاثیر این جنگها بر رونق و شکوفایی شهرها در ( ایتالیا ) بیش از سایر سرزمین های اروپایی بود .

## ۶- وضع شهرهای ایتالیایی در دوره جنگهای صلیبی چگونه بود ؟

شهرهای ایتالیایی در آن زمان ، سرآمد شهرهای اروپا در ( تجارت ، بانکداری ، صنعت ) بودند .  
شهرهای بندری ( ونیز ، جنوا ، پیزا ، پالمو ) ، تجارت دریایی مدیترانه و سواحل غربی اروپا را  
در اختیار داشتند . ( فلورانس ) ، مرکز داد و ستد کالاهای قیمتی فلزی و چرمی بود و تجارت پارچه را  
دربخش وسیعی از اروپا به خود اختصاص داده بود .

## ۷- ( بورژوا ) ها چه کسانی بودند ؟

با گسترش شهرها و رشد تجارت ، مشاغل و حرفه های گوناگونی شکل گرفت و قشر جدیدی از شهرنشینان  
شامل ( بازرگانان ، بانکداران ، صاحبان صنایع ) سربر آوردند که به آنان ( بورژوا ) می گفتند .

## ۸- نقش ( بورژوا ) ها در اداره امور شهرها و رشد و رونق علم و فرهنگ و هنر در اروپا چه بود ؟

آنان با ایجاد انجمن ها و شوراهای مختلف ، نقش موثری را در اداره امور شهرها به عهده گرفتند .  
بورژواها نگرش و علایق متفاوتی با فئودال ها و شوالیه ها داشتند . آنان اهمیت ارزش فراوانی برای  
( علم ، فرهنگ ، هنر ) قائل بودند و در ترویج آنها می کوشیدند .

## ۹- نگرش و علایق ( بورژواها ) با فئودال ها و شوالیه ها چه تفاوتی داشت ؟

بورژواها نگرش و علایق متفاوتی با فئودال ها و شوالیه ها داشتند . آنان اهمیت ارزش فراوانی برای  
( علم ، فرهنگ ، هنر ) قائل بودند و در ترویج آنها می کوشیدند .

## ۱۰- خاندانهای حاکم بر شهرهای ایتالیایی در قرون وسطا چه نقشی در رشد و رونق علم و هنر داشتند ؟

افراد و خاندان های حاکم بر شهرهای ایتالیایی نیز حامی ( ادیبان ، نقاشان ، معماران ، موسیقی دانان )  
و غیره بودند . برای نمونه خاندان معروف ( مدیچی ) که بر فلورانس حکومت می کرد ، مشوق و  
حامی جدی ( فرهنگ ، ادب و هنر ) بود .

## ۱۱- تأثیر درگیری های پاپ و پادشاهان در اواخر قرون وسطی بر ( دولت - شهرها ) ی ایتالیا چه بود ؟

درگیری های میان ( پاپ و پادشاهان ) در اواخر قرون وسطا ، ۱- ( استقلال ) و آزادی عمل بیشتری  
برای ( دولت - شهرها ) ی ایتالیایی به وجود آورد . ۲- این استقلال ، ( موقعیتی ) را برای متفکران  
و دانشمندان این شهرها ایجاد کرد که بتوانند ( تفکر و فرهنگ جدیدی ) را نشر دهند که کاملاً با  
اندیشه و فرهنگ حاکم بر قرون وسطا ( متفاوت ) بود .

## ۱۲- در اواخر قرون وسطا چه عواملی باعث رشد و رونق علم و فرهنگ و هنر در شهرهای ایتالیا شد ؟

- ۱- **جنگهای صلیبی** ، تاثیر فراوانی بر رشد شهرها و تجارت ، به ویژه در مناطق ساحلی اروپا گذاشت . تاثیر این جنگها بر رونق و شکوفایی شهرها در ( ایتالیا ) بیش از سایر سرزمین های اروپایی بود .
- ۲- شهرهای ایتالیایی در آن زمان ، سرآمد شهرهای اروپا در ( تجارت ، بانکداری ، صنعت ) بودند . شهرهای بندری ( ونیز ، جنوا ، پیزا ، پالمو ) تجارت در دریای مدیترانه و سواحل غربی اروپا را در اختیار داشتند . فلورانس ، مرکز داد و ستد کالاهای قیمتی فلزی و چرمی بود و تجارت پارچه را در بخش وسیعی از اروپا به خود اختصاص داده بود .
- ۳- با گسترش شهرها و رشد تجارت ، مشاغل و حرفه های گوناگونی شکل گرفت و قشر جدیدی از شهرنشینان شامل ( بازرگانان ، بانکداران ، صاحبان صنایع ) سربر آوردند که به آنان ( بورژوا ) می گفتند . آنان با ایجاد انجمن ها و شوراهای مختلف ، نقش موثری در اداره امور شهرها به عهده گرفتند .
- ۴- بورژواها نگرش و علایق متفاوتی با فئودال ها و شوالیه ها داشتند . آنان اهمیت ارزش فراوانی برای ( علم ، فرهنگ ، هنر ) قائل بودند و در ترویج آنها می کوشیدند .
- ۵- افراد و خاندان های حاکم بر شهرهای ایتالیایی نیز حامی ( ادیبان ، نقاشان ، معماران ، موسیقی دانان ) و غیره بودند . برای نمونه خاندان معروف ( مدیچی ) که بر فلورانس حکومت می کرد ، مشوق و حامی جدی فرهنگ ، ادب و هنر بود .
- ۶- درگیری های میان ( پاپ و پادشاهان ) در اواخر قرون وسطا ، ( استقلال ) و آزادی عمل بیشتری برای ( دولت - شهرها ) ی ایتالیایی به وجود آورد و این استقلال ، ( موقعیتی ) را برای متفکران و دانشمندان این شهرها ایجاد کرد که بتوانند ( تفکر و فرهنگ جدیدی ) را انتشار دهند که کاملاً " با اندیشه و فرهنگ حاکم بر قرون وسطا ( متفاوت ) بود .

- ## ۱۳- دانشمندان اروپایی در قرون وسطا از طریق کدام سرزمین ها با دستاوردهای فکری و فرهنگی جهان اسلام آشنا شدند ؟ دانشمندان اروپایی در قرون وسطا از طریق اندلس ( اسپانیای مسلمان ) و سیسیل با دستاوردهای فکری و فرهنگی جهان اسلام آشنا شدند .

۱۴- نقش مسلمانان در وضعیت فکری و فرهنگی اروپا و نهضت رنسانس چه بود ؟  
( جنگهای صلیبی ) و ( گسترش روابط تجاری میان اروپا و شرق ) ، باعث افزایش آشنایی و آگاهی های اروپاییان با ( ابعاد مختلف تمدن اسلامی و پیشرفت های علمی مسلمانان ) شد . به طور کلی آثار و نوشته های علمی دانشمندان و عالمان مسلمان تاثیر بسزایی بر وضعیت فکری و فرهنگی اروپا در اواخر قرون وسطی گذاشت . ( مدارس عالی و دانشگاه های تازه تاسیس ایتالیایی ) در استفاده از آثار و نوشته های دانشمندان مسلمان ، پیشگام بودند .



۱۵- وجود آثار و بناهای عظیم تمدن ( یونانی - رومی ) برای بسیاری از شهرنشینان مرفه ایتالیایی در پایان قرون وسطا یادآور چه پیشینه ای برای آنان بود ؟  
سرزمین ایتالیا ( قلب امپراتوری روم باستان ) بود و آثار و بناهای عظیم تمدن ( یونانی - رومی ) در گوشه و کنار آن سرزمین به چشم می خورد . وجود این آثار در پایان قرون وسطا برای بسیاری از شهرنشینان مرفه ایتالیایی ، یادآور ( روزگار عظمت و شکوه فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی ) گذشته آنان بود . در این دوره تعدادی از نویسندگان و اندیشمندان ظهور کردند که با اشتیاق فراوان به مطالعه و پژوهش درباره ( فرهنگ یونان و روم باستان ) پرداختند و ( در صدد احیای آن ) برآمدند .



۱۶- نویسندگان و اندیشمندان در اواخر قرون وسطا تحت تاثیر چه عواملی در صدد احیای فرهنگ یونان و روم برآمدند ؟  
وجود آثار و بناهای عظیم تمدن ( یونانی - رومی ) در گوشه و کنار ایتالیا یادآور ( روزگار عظمت و شکوه فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی ) گذشته آنان بود . در این زمان نویسندگان و اندیشمندان ظهور کردند که با اشتیاق فراوان به مطالعه و پژوهش درباره ( فرهنگ یونان و روم باستان ) پرداختند و ( در صدد احیای آن ) برآمدند .



۱۷- رنسانس چه نوع تحولی در اروپا بود ؟ رنسانس تحولی ساده و گونه ای شکوفایی معمولی نبود ، بلکه ( شیوه ای از تفکر و فرهنگ متفاوت ) بود که ( ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی اروپاییان ) را به تدریج دگرگون ساخت و ( نظام فکری ، فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ) نوینی را پی ریزی کرد .



۱۸- دستاوردهای رنسانس را در زمینه های فکری ، فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی نام ببرید .

۱- گسترش اندیشه اومانیسم ( انسان گرایی )

۲- تحولات علمی

۳- اکتشافات جغرافیایی و شروع استعمارگری اروپاییان

۴- اصلاح دینی و نهضت پروتستان

۱۹- یکی از وجوه مهم تفکر رنسانس چیست و بر چه اساسی قرار داشت ؟ یکی از وجوه مهم

تفکر رنسانس که ریشه در فرهنگ یونان باستان داشت ، ( حرمت نهادن به اعتبار و ارزش انسان ) و

تصدیق استعداد و توانایی های او بود که از آن به عنوان ( اومانیسم ) یا ( انسان گرایی ) تعبیر شده

است . انسان گرایان ( اومانیست ها ) به تبعیت از یونانیان باستان ، ( انسان را محور و مدار جهان )

می شمردند و اعتقاد داشتند که ( معیارهای اخلاقی و ارزش ها و هنجارهای اجتماعی ) ، باید برپایه

( خواسته های انسان و تمایلات دنیوی ) او ایجاد شود .

۲۰- عقیده کلیسا در برابر تفکر انسان گرایی ( اومانیسم ) دوره رنسانس چه بود ؟

در حالیکه انسان گرایان ، ( انسان ) را موجودی می شمردند که ( زندگی دنیوی او مهم و ارجمند )

است ، کلیسا مروج این عقیده بود که ( انسان فقط برای خدمت به خداوند خلق شده است ) و دنیا

گرایایی و میل به لذت جویی ، او را از رسیدن به سعادت و خوشبختی در ( جهان آخرت ) باز می دارد .

۲۱- تفکر اومانیستی در چه زمینه هایی انعکاس یافت و منجر به چه نهضتی در ایتالیا شد ؟

تفکر اومانیستی و گرایش انسان گرایی ، بیش از هر جای دیگر ، در قلمرو ( ادبیات ، هنر ، معماری ، تعلیم

و تربیت ) انعکاس یافت و به ( نهضت ادبی و شکوفایی هنر و معماری ) در ایتالیا منجر شد .

۲۲- رنسانس در عرصه هنر چه دگرگونی عظیمی ایجاد کرد ؟ رنسانس در عرصه هنر ، به ویژه

( نقاشی ) پیکرتراشی ( مجسمه سازی ) ، ( معماری ) دگرگونی عظیمی ایجاد کرد ، به گونه ای که

آثار هنری این دوره به لحاظ ( موضوع ) و ( سبک ) ، با آثار هنری دوره قرون وسطا به کلی متفاوت

بود . هنرمندان این دوره با محور قرار دادن ( انسان ) و ( طبیعت ) ، آثاری نظیری به وجود آوردند .

آنان بر ( زیبایی و خصوصیات جسمانی انسان ) و ( خصلت های درونی شخصیت های مورد نظر خود )

تاکید فراوان می کردند .

### ۲۳- هنررئسانس با ظهور کدام هنرمندان ایتالیایی به اوج پیشرفت و شکوفایی رسید ؟

هنررئسانس با ظهور سه هنرمند مشهور ایتالیایی : ( لئوناردو داوینچی ، رافائل ، میکال آنژ ) به اوج پیشرفت و شکوفایی رسید . آنان در زمره بزرگ ترین نوابغ تاریخ هنر جهان به شمار می روند .

### ۲۴- داوینچی در کدام رشته های علمی سررشته داشت و مشهورترین آثار او را نام ببرید .

داوینچی دارای هوش و نبوغ سرشاری بود . او علاوه بر آنکه در ( نقاشی ، مجسمه سازی ، معماری ) سرآمد هنرمندان بود ، در علوم ( ریاضی ، مهندسی ، زمین شناسی ) و غیره نیز سررشته داشت . مشهورترین اثر نقاشی او ( شام آخر ) و ( مونالیزا ) یا ( لبخند ژوکوند ) است .

### ۲۵- تاثیر عصر نوزایی ( رنسانس ) در معماری چه بود ؟ عصر نوزایی در معماری نیز شیوه نوینی به

وجود آورد . معماران عصر رنسانس ساختمان های ( رم باستان ) را سرمشق خود قرار دادند و الگوی معماری بناهای باستانی را در ساختن ( کاخ ها ، کلیساها ، نمازخانه ها ) به کار بستند . کاخ ها و کلیساهایی که در عصر رنسانس در شهرهای مختلف ایتالیا به ویژه ( رم ، فلورانس ، ونیز ) ساخته شد ، بیانگر اوج و شکوه معماری عصر رنسانس است .

### ۲۶- تاثیر عصر نوزایی در ( تعلیم و تربیت ) چه بود ؟

عصر نوزایی تاثیر ژرفی بر تعلیم و تربیت نهاد . اندیشه ( انسان گرایی ) بر اصل آموزش پذیری انسان و شکوفایی استعدادها و توانمندی های بالقوه او از طریق آموزش به شدت تاکید می کرد . دانشمندان عصر رنسانس با مطالعه و بررسی ( آثار و نوشته های دوره باستان ) ، رساله های متعددی درباره تعلیم و تربیت نوشتند و ( نظریه آموزشی جدیدی ) را ارائه دادند .

بر اساس این نظریه ، ( هدف آموزش و پرورش ) ، تربیت دانشمندان برجسته نبود ؛ بلکه می خواستند شهروندانی را تربیت کنند که ( نقش سودمندی در جامعه ایفا کنند ) و ( در حیات شهری فعال باشند ) .

### ۲۷- هدف آموزش و پرورش در دوره رنسانس در اروپا چه بود ؟

( هدف آموزش و پرورش ) ، در دوره رنسانس ، تربیت دانشمندان برجسته نبود ؛ بلکه می خواستند شهروندانی را تربیت کنند که ( نقش سودمندی در جامعه ایفا کنند ) و در حیات شهری ( فعال ) باشند .

## ۲۸- تاثیر رنسانس در نگرش علمی اروپاییان چه بود ؟

در عصر رنسانس و قرون جدید ، نگرش علمی اروپاییان در نتیجه ( آشنایی آنان با پیشرفت های علمی مسلمانان ) و ( اشاعه اندیشه های اومانیستی ) تغییر یافت و به تدریج علوم طبیعی و روش های علمی ، مبتنی بر مشاهده و تجربه ، در کانون توجه طالبان علم و معرفت قرار گرفت و نظریات علمی جدیدی مطرح شد و اختراعات مهمی صورت گرفت .

## ۲۹- در عصر رنسانس چه عواملی باعث تغییر نگرش علمی اروپاییان شد ؟

نگرش علمی اروپاییان در نتیجه تاثیر دو عامل :

۱- ( آشنایی آنان با پیشرفت های علمی مسلمانان )

۲- ( اشاعه اندیشه های اومانیستی )

تغییر یافت .

## ۳۰- در دوره رنسانس ، علوم طبیعی و روش های علمی مبتنی بر چه پایه هایی استوار شد ؟

به تدریج علوم طبیعی و روش های علمی ، در دوره رنسانس ، مبتنی بر ( مشاهده ) و ( تجربه ) ، در کانون توجه طالبان علم و معرفت قرار گرفت ، و ( نظریات علمی جدیدی ) مطرح شد ، و ( اختراعات ) مهمی صورت گرفت .

## ۳۱- پیشرفت های علم نجوم در دوره رنسانس با تلاش کدام دانشمندان اروپایی صورت گرفت ؟

در اواسط قرن شانزدهم ( نیکلاس کوپرنیک ) در رساله ( گردش اجرام سماوی ) ، نظریه ( چرخش زمین به دور خورشید ) را مطرح ساخت .

پیش از آن ، بر اساس ( نظریه زمین مرکزی ) ، ( بطلمیوس ، کلیسا و دانشمندان ) بر این باور بودند که زمین ثابت و خورشید بر گرد آن می چرخد . با مطالعات برخی از دانشمندان از جمله ( کپلر ) ، نظریه کوپرنیک اثبات شد . اختراع تلسکوپ توسط ( گالیله ) استاد دانشگاه ( پیزا ) ، فرضیه های کوپرنیک را بیش از پیش مورد تایید قرارداد .

## ۳۲- عامل تحول پزشکی و داروسازی در اروپا چه بود و کدام دانشمند اروپایی به موفقیت هایی دست

یافت ؟

با گسترش روابط اروپاییان با جهان اسلام از دوره جنگهای صلیبی به بعد ، پزشکی و داروسازی در اروپا دچار تحول شد . ( ویلیام هاروی ) در زمینه ( کارکرد قلب و چگونگی گردش خون ) به موفقیت های مهمی دست یافت .

۳۳- اروپاییان در عصر رنسانس در زمینه کدام رشته های علمی به موفقیت هایی دست یافتند ؟  
در زمینه علم نجوم ( گردش اجرام سماوی ) ، اختراع تلسکوپ ، پزشکی و داروسازی ، فیزیک ،  
ریاضیات ، جغرافیا ، نقشه برداری ، اختراع دستگاه چاپ ، اکتشافات جغرافیایی و کشف راه های جدید  
، فلسفه و روش های تجربی ، به موفقیت هایی دست یافتند .

۳۴- چه عاملی در دوره رنسانس موجب ( پیشرفت های جدیدی در علوم ) شد ؟  
اهتمام و اعتنا به ( روش تجربی ) ، به تدریج سبب پیشرفت های جدیدی در بسیاری از علوم شد و زمینه  
( انقلاب علمی ) را در ( قرن ۱۷ م و سپس در قرن ۱۸ م ) فراهم ساخت . این پیشرفت ها تنها مدیون  
اطلاعات جدید نبود ، بلکه بیشتر مدیون ( دیدگاه های نوینی ) بود که توسط دانشمندان و فلاسفه ای  
چون ( دکارت ) ۱۵۹۶-۱۶۵۰ بنیانگذار سبک تحقیق در ریاضی ، و ( فرانسیس بیکن ) ۱۵۶۱-۱۶۲۱ از  
طرفداران ( روش شناخت تجربی در مطالعات علمی ) حاصل شد .

۳۵- چه عاملی زمینه ( انقلاب علمی ) را در قرن ۱۷ و سپس ۱۸ م فراهم ساخت ؟  
عاملی که در دوره رنسانس سبب ( پیشرفت های جدید ) در بسیاری از علوم شد ، اهتمام و اعتنا و توجه  
به ( روش تجربی ) بود که زمینه ( انقلاب علمی ) را در قرن ۱۷ م و سپس ۱۸ م فراهم ساخت .

۳۶- عامل ( پیشرفت های جدید ) در بسیاری از علوم در اروپای دوره رنسانس چه بود ؟  
این پیشرفت ها تنها مدیون اطلاعات جدید نبود ، بلکه بیشتر مدیون ( دیدگاه های نوینی ) بود که  
توسط دانشمندان و فلاسفه ای چون ( دکارت ) ۱۵۹۶-۱۶۵۰ بنیانگذار سبک تحقیق در ریاضی ، و  
( فرانسیس بیکن ) ۱۵۶۱-۱۶۲۱ از طرفداران ( روش شناخت تجربی در مطالعات علمی )  
حاصل شد .

۳۷- کدام دانشمندان و فلاسفه اروپایی در دوره رنسانس دیدگاه های نوینی در مطالعات علمی یافتند ؟  
دانشمندان و فلاسفه ای چون ( دکارت ) بنیانگذار سبک تحقیق در ریاضی ، و ( فرانسیس بیکن ) از  
طرفداران ( روش شناخت تجربی در مطالعات علمی ) بودند .

۳۸- فرانسیس بیکن از طرفداران کدام روش در مطالعات علمی بود ؟  
( فرانسیس بیکن ) از طرفداران ( روش شناخت تجربی در مطالعات علمی ) بود .

۳۹- از مهمترین ابداعات فناوری در عصر رنسانس چه بود و چه کسی آن را اختراع کرد ؟  
اختراع دستگاه چاپ بود که توسط ( یوهانس گوتنبرگ ) آلمانی انجام گرفت و آن از مهمترین ابداعات  
فناوری در عصر رنسانس بود .



۴۰- چه کسی در دوره رنسانس دستگاه چاپ را اختراع کرد و تاثیر آن در پژوهش های علمی چه بود ؟  
اختراع دستگاه چاپ توسط ( یوهانس گوتنبرگ ) آلمانی از مهمترین ابداعات فناوری در عصر رنسانس بود . دیري نگذشت که صنعت چاپ يکي از بزرگترین صنایع اروپا شد . تا سال ۱۵۰۰ م ، بیش از هزار چاپخانه در سراسر اروپا وجود داشت که تقریباً "چهل هزار عنوان کتاب را در تیراژي حدود هشت تا ده میلیون نسخه به چاپ رساندند .

۴۱- اختراع دستگاه چاپ توسط یوهان گوتنبرگ در دوره رنسانس چه پیامدهایی داشت ؟

۱- اختراع و توسعه صنعت چاپ ، کمک فراوانی به فراگیر شدن پژوهش های علمی و نشر علم در اروپا کرد .

۲- علاوه بر آن چاپ کتاب های غیر مذهبی از قبیل کتابهای فلسفی ، رمان ، داستان ، و آثاری در موضوعات حقوق ، تاریخ ، تاثیر شگرفي بر وضعیت فکری و فرهنگی جوامع اروپایی گذاشت .

۴۲- در دوره رنسانس چه عاملی کمک فراوانی به فراگیر شدن پژوهشهای علمی و نشر علم در اروپا کرد؟

اختراع و توسعه صنعت چاپ ، کمک فراوانی به فراگیر شدن پژوهش های علمی و نشر علم در اروپا کرد .

۴۳- در دوره رنسانس چه عاملی تاثیر شگرفي بر وضعیت فکری و فرهنگی جوامع اروپایی گذاشت ؟

چاپ کتاب های غیر مذهبی از قبیل کتابهای فلسفی ، رمان ، داستان ، و آثاری در موضوعات حقوق ، تاریخ ، تاثیر شگرفي بر وضعیت فکری و فرهنگی جوامع اروپایی گذاشت .

۴۴- انگیزه ها و عوامل اکتشافات جغرافیایی را در دوره رنسانس بنویسید .

۱- سرزمین های شرق دور ، مانند ( هند و چین ) از گذشته های دور برای اروپاییان جاذبه فراوانی داشت و همواره در اندیشه رسیدن به آن سرزمین ها بودند .

۲- افزایش اطلاعات جغرافیایی و توسعه مهارت دریانوردی اروپاییان در دوران پس از جنگهای صلیبی و اواخر قرون وسطا .

۴۵- کدام ملل اروپایی در اواخر قرون وسطا انگیزه و اشتیاق بیشتری برای کشف راه ها و سرزمین های جدید از خود نشان دادند ؟ ( پرتغالی ها و اسپانیایی ها )

۴۶- اکتشافات جغرافیایی در دوره رنسانس چه دستاوردهایی مهمی برای اروپاییان داشت ؟

یکی از مهمترین تحولات عصر رنسانس ، ( اکتشافات جغرافیایی ) و ( کشف راههای دریایی جدید ) بود . این تحول علاوه بر دستاوردهای علمی که در حوزه دانش دریانوردی و جغرافیا در پی داشت ، موجب بر هم خوردن ( موازنه تجارت جهانی ) و آغاز ( استعمارگری ) اروپاییان بود .

۴۷- چه عواملی در دوره باستان مانع رسیدن اروپاییان به شرق ( هندوستان و چین ) بود ؟  
سرزمینهای شرق دور ( هند و چین ) از گذشته های بسیار دور برای اروپاییان جاذبه فراوانی داشت و در اندیشه رسیدن به آن سرزمین ها بودند، اما ( حکومت های قدرتمند ایرانی ) ، ( خلافت ها ) ، ( سلسله های بزرگ مسلمان ) ، از دوره باستان تا قرون جدید که بر ( فلات ایران ) و ( مناطق ساحلی شرق و جنوب دریای مدیترانه ) تسلط داشتند ، مانع جدی برای رسیدن اروپاییان به ( هندوستان و چین ) بودند .

۴۸- انگیزه اروپاییان در اواخر قرون وسطا برای اکتشافات جغرافیایی و کشف راه های جدید چه بود ؟  
در اواخر قرون وسطا با گسترش فعالیت های تجاری در اروپا ، انگیزه و اشتیاق اروپاییان برای رسیدن به شرق و دسترسی به ادویه و دیگر کالاهای گران بهای آن سرزمین ها دوچندان شد . اروپاییان در صدد برآمدن خطرهای زیادی را به جان بخرند و ( مسیرهای دیگری را برای رسیدن به سرزمین هایی که قرن ها در آرزوی دسترسی به آنها بودند ، کشف کنند ) .

۴۹- کدام ملل اروپایی در اواخر قرون وسطا انگیزه و اشتیاق بیشتری برای کشف راه ها و سرزمین های جدید از خود نشان دادند ؟ ( پرتغالی ها و اسپانیایی ها )

۵۰- پرتغالی ها و اسپانیایی ها در اواخر قرون وسطا به چه دلایلی در صدد کشف راهها و سرزمین های جدید برآمدند ؟

پرتغالی ها و اسپانیایی ها که از تجارت پر رونق دریای مدیترانه و سرزمین های پیرامون آن سود زیادی نمی بردند ، انگیزه و شوق بیشتری برای کشف راه ها و سرزمین های جدید از خود نشان دادند ، زیرا :

- ۱- از یک سو ، قادر به رقابت با ( دولت - شهرهای ایتالیایی ) که تجارت آن منطقه را در انحصار خود داشتند ، نبودند .
- ۲- از سوی دیگر ، با ( حکومت عثمانی ) که بر مناطق شمال شرق و شرق مدیترانه مسلط بودند ، دشمنی و ستیز داشتند .

۵۱- چه عواملی باعث اکتشافات جغرافیایی اروپایی ها در دوره رنسانس شد ؟

- ۱- افزایش اطلاعات جغرافیایی و توسعه مهارت دریانوردی اروپاییان در دوران پس از جنگهای صلیبی و اواخر قرون وسطا تاثیر زیادی در کشف سرزمین ها و راه های جدید داشت .
- ۲- اروپاییان تا نیمه قرن ۱۵ م فنون نقشه کشی را تکامل بخشیدند و نقشه های نسبتاً " دقیقی از دنیای شناخته شده آن روزگار طراحی و ترسیم کردند .
- ۳- اروپاییان در ساختن کشتی و بهره گیری از تجهیزات دریانوردی مانند ( قطب نما ) که چینی ها اختراع کرده بودند و ( اسطرلاب ) ، به پیشرفت فوق العاده ای دست یافتند .  
( اسطرلاب : وسیله ای که موقعیت اجرام آسمانی را معلوم می کرد ) .

۵۲- در نیمه دوم سده ۱۵ م دریانوردان پرتغالی چگونه سفرهای اکتشافی خود را آغاز کردند ؟

در نیمه دوم سده ۱۵ م دریانوردان پرتغالی در سواحل غربی قاره افریقا در اقیانوس اطلس مشغول کشف سرزمین های جدید شدند . آنان سفر اکتشافی خود را به سمت جنوب ادامه دادند و با دور زدن دماغه امید نیک وارد اقیانوس هند شدند و تا سواحل جنوب شرقی هندوستان پیش رفتند . دریانوردان پرتغالی با مال التجاره ای شامل فلفل و سنگهای قیمتی از این سفر دریایی موفقیت آمیز بازگشتند و از آن سود هنگفتی بردند .

۵۳- کدام دریانورد پرتغالی توانست در جزایر و سواحل خلیج فارس ، هندوستان و چین پایگاه های

( تجاری - نظامی ) تاسیس کند ؟ دریانوردان پرتغالی پس از نخستین سفر اکتشافی با دور زدن دماغه امید نیک که وارد اقیانوس هند شدند و تا سواحل جنوب شرقی هندوستان پیش رفتند . دولت پرتغال ، ناوگان دریایی خود را به فرماندهی ( آلبوکرک ) به هند گسیل کرد و او توانست تعدادی پایگاه ( تجاری - نظامی ) در ( جزایر و سواحل خلیج فارس ، هندوستان ، چین ) تاسیس کند . این اقدامات به منزله نخستین گام های اروپاییان برای ( استعمار ) سرزمین های دیگر محسوب می شود .

۵۴- به دنبال پرتغالی ها کدام دریانورد به سفر اکتشافی پرداخت و نتیجه آن چه بود ؟

به دنبال پرتغالی ها ، ( اسپانیایی ها ) گام در کشف راه ها و سرزمین های جدید نهادند . ( کریستف کلمب ) ایتالیایی که با ( نظریه کروی بودن زمین ) آشنایی داشت ، پادشاه و ملکه اسپانیا را تشویق کرد که از برنامه سفر دریایی او برای رسیدن به هند با عبور از اقیانوس اطلس حمایت کند . سفر دریایی او با حمایت مالی اسپانیا انجام گرفت و منجر به کشف قاره امریکا شد .

۵۵- موضوع منشور پادشاه اسپانیا به کریستف کلمب و سایر کاشفان سرزمین های جدید داد ؟  
پس از کشف قاره امریکا ، بر اساس منشوری که پادشاه اسپانیا به کریستف کلمب و سایر کاشفان سرزمین های جدید داد ؛ کاشفان ملزم بودند ، سهم عمده ای از غنایمی را که به دست می آوردند به خزانه او بپردازند . بدین گونه با طلا و نقره غارت شده بومیان امریکا :  
( اسپانیا به یکی از نیرومندترین کشورهای اروپایی در قرون ۱۶ و ۱۷ م تبدیل شد ) .

۵۶- در اواخر قرن ۱۶ م کدام کشورهای اروپایی گام به عرصه رقابت های استعماری نهادند ؟  
از اواخر قرن ۱۶ م ( هلندی ها ) ، ( انگلیسی ها ) و سپس ( فرانسوی ها ) گام به عرصه رقابت های استعماری نهادند و مستعمره نشین های متعددی را در آسیا ، امریکا شمالی ، و افریقا تاسیس کردند .  
۵۷- آثار و پیامدهای اکتشافات جغرافیایی را بنویسید .

- ۱- کشف سرزمین های جدید و گسترش قلمرو اروپایی ، آثار و پیامدهای فرهنگی ، اقتصادی و اجتماعی گسترده ای به جا گذاشت .
- ۲- به دنبال دستیابی اروپاییان به سرزمین های جدید ، جمعیت زیادی از مردم بومی مستعمرات ، به ویژه در قاره امریکا بر اثر سرکوب شدید و انتشار بیماری های مرگبار از بین رفتند .
- ۳- اروپاییان تمدن های بومی و نهادهای کهن آن قاره را نابود کردند و دین و زبان و فرهنگ خود را جایگزین آن کردند .
- ۴- ولی در شرق ، پایگاه های تجاری پرتغالی ها و استعمارگران دیگر ، تاثیر کمتری بر تمدن و ساختار سیاسی و اجتماعی آسیا گذاشت .
- ۵- ( ذخیره فلزات قیمتی ) موجب رونق اقتصادی و رشد تجارت شهرهای اروپایی شد ، این وضع به ضرر ( اشراف فئودال ) و ( زمیندار ) بود و موجب شد که آنان موقعیت اجتماعی خود را از دست بدهند و در مقابل ، اعتبار و منزلت ( تجار و صنعتگران ) افزایش یافت .
- ۶- ذخیره فراوان طلا و نقره موجب ( افزایش بیشتر قدرت پادشاهان اروپایی ) شد و آنان را بر اشرافیتی که تا آن زمان گردن فرازی می کرد ، برتری بخشید . پادشاهان با استفاده از منابع مالی عظیمی که حاصل غارت مستعمرات بود ، ارتش های ملی و ناوگان های دریایی خود را تقویت و مجهز کردند .
- ۷- کشف سرزمین های جدید و گسترش قلمرو اروپاییان ، باعث تشدید رقابت و درگیری سیاسی نظامی ، اقتصادی ( دولتهای اروپایی در ) سرزمین اصلی ( و ) مستعمرات ( شد .

۵۸- با کشف قاره امریکا مردم اسپانیا و دیگر کشورهای اروپایی به چه دلیل راهی قاره جدید شدند ؟  
با کشف قاره امریکا ، تعداد زیادی از مردم اسپانیا و دیگر کشورهای اروپایی به انگیزه ( کسب ثروت و دستیابی به زمین ) ، راهی قاره جدید شدند و تا حدود نیمه قرن ۱۶م اسپانیایی ها با سرکوب بومیان ، امریکای مرکزی و بخش اعظم امریکای جنوبی را تحت سلطه استعماری خود درآوردند .

۵۹- کشفیات جغرافیایی در کدام حوزه بیشترین تاثیر را به جا گذاشت ؟

کشفیات جغرافیایی بیشترین تاثیر را در ( حوزه اقتصادی ) برجا گذاشت . اروپاییان در هر نقطه ای از دنیای جدید ، به دنبال ( طلا و نقره ) بودند . یکی از بومیان قاره امریکا ، حرص و طمع اروپاییان را چنین توصیف می کند : ( فاتحان اسپانیایی شهوت طلا دارند و در آرزوی آن می میرند . جسمشان از طمع متورم شده و گرسنگی شان حریصانه است ، همچون خوک گرسنه در پی طلا هستند ) .

در نتیجه اکتشافات جغرافیایی و دستیابی اروپاییان به منابع ثروت در سرزمینهای جدید ، حجم عظیمی از فلزات گرانبها به اروپا سرازیر شد که تا آن زمان سابقه نداشت .

۶۰- دستیابی اروپاییان به منابع ثروت سرزمین های جدید چه نتیجه ای داشت ؟

در نتیجه اکتشافات جغرافیایی و دستیابی اروپاییان به منابع ثروت در سرزمینهای جدید ، حجم عظیمی از فلزات گرانبها به اروپا سرازیر شد که تا آن زمان سابقه نداشت .

۶۱- به دنبال کشف قاره امریکا ، تجارت بردگان چگونه آغاز شد ؟

( پرتغالی ها ) در جریان سفرهای اکتشافی خود در سواحل غربی قاره افریقا ، دریافتند که با فروش برده های افریقایی می توانند سود هنگفتی کسب کنند . با کشف قاره امریکا ، خرید و فروش برده به سرعت افزایش یافت ، زیرا ( اروپاییانی که مزارع وسیعی را در آن قاره تصاحب کرده بودند ، به نیروی کارمجبانی و ارزان نیاز داشتند ) ، به این دلیل پرتغالی ها ، تجارت برده از افریقا به امریکا را در انحصار خود گرفتند . بعدها بازرگانان هلندی و انگلیسی نیز وارد این تجارت پرسود شدند .

۶۲- اولین بار چه کسانی دریافتند که با فروش برده های افریقایی می توانند سود هنگفتی کسب کنند ؟

( پرتغالی ها ) در جریان سفرهای اکتشافی خود در سواحل غربی قاره افریقا ، دریافتند که با فروش برده های افریقایی می توانند سود هنگفتی کسب کنند .

۶۳- از چه زمانی خرید و فروش برده به سرعت افزایش یافت ؟

با کشف قاره امریکا ، خرید و فروش برده به سرعت افزایش یافت .

۶۴- به چه دلیل با کشف قاره امریکا خرید و فروش برده به سرعت افزایش یافت ؟  
زیرا ( اروپاییانی که مزارع وسیعی را در آن قاره تصاحب کرده بودند ، به نیروی کارمجانای وارزان نیاز داشتند ) .

۶۵- تجارت برده از آفریقا به امریکا در انحصار کدام دولت بود ؟  
پرتغالی ها ، تجارت برده از آفریقا به امریکا را در انحصار خود گرفتند .

۶۶- بعد از پرتغالی ها بازرگانان کدام کشورها وارد تجارت بردگان شدند ؟  
بعدها بازرگانان هلندی و انگلیسی نیز وارد این تجارت پرسود شدند .

۶۷- جنبش اصلاح دینی شامل چه تحولاتی بود ؟  
در فاصله قرون ( ۱۴ تا ۱۷ م ) سلسله حوادث و تحولاتی در قلمرو مسیحیت روی داد که مورخان مجموع آنها را به ( اصلاح دینی ) تعبیر می کنند . جنبش اصلاح دینی با ( انتقاد و اعتراض به برخی از نظریات و عملکرد کلیسا ) آغاز شد .

۶۸- دردوره ( جنبش اصلاح دینی ) کلیسا از جانب کدام گروه ها مورد اعتراض قرار گرفت ؟

- ۱- برخی از این اعتراضات از سوی پادشاهان و فرمانروایان صورت گرفت که کلیسا را از دخالت در ( امور سیاسی ) منع می کردند .
- ۲- ( انسان گرایان ) هم که شیفته ترویج ادبیات و آثار کهن یونانی و لاتینی بودند ، به شیوه تعلیم و تربیت و محتوای آموزشی که تحت نظارت کلیسا در مدارس و دانشگاه ها تدریس می شد ، انتقاد داشتند و آنها را غیر مفید می شمردند . ( انسان گرایان ) ، کلیسا را به خاطر برخی ناهنجاری های اخلاقی کشیشان مورد سرزنش قرار می دادند .
- ۳- اما مهمترین گروهی از ( مصلحان دینی ) بودند که از ( درون کلیسا ) پا به عرصه اعتراض و انتقاد نهاده و آموزه های کلیسا را درباره انسان و خدا به چالش کشیدند .

۶۹- مهمترین شخصیتی که نهضت اصلاح دینی به نام شناخته می شود چه کسی بود ؟  
مهمترین شخصیتی که نهضت اصلاح دینی به نام او شناخته می شود ، ( مارتین لوتر ) آلمانی بود که در اعتراض به مسیحیت کاتولیک یکسره از کلیسا برید و مذهب تازه ای بنیاد نهاد . لوتر با اشتیاقی وصف ناپذیر به تحصیل در رشته الهیات روی آورده و استاد تدریس ( کتاب مقدس ) در دانشگاه ( ویتمبرگ ) شد .



۷۰- چه مسائلی ذهن لوتر را به خود مشغول کرد و براساس چه نظریه ای به جنگ با کلیسا پرداخت ؟  
اولین مسئله ای که ذهن او را به خود مشغول کرد ، ( ارتباط ایمان با انجام دادن کارهای نیک ) بود .  
اودر طی مطالعات و تاملات گسترده خود در باب ( آیین مسیح ) و ( کتاب مقدس ) به این نتیجه رسید  
که برخلاف دیدگاه غالب کلیسایان ، آنچه مایه رستگاری انسان می شود ( ایمان ) است و نه انجام  
دادن کارهای نیک . لوتر با ابراز این نظر ، در واقع به جنگ با کلیسا برخاست .

۷۱- مارتین لوتر چگونه ( مسئله آموزش گناهان توسط کلیسا ) را مورد نقد قرارداد ؟  
لوتر ، به این نتیجه رسید که برخلاف دیدگاه غالب کلیسایان ، آنچه مایه رستگاری انسان می شود  
( ایمان ) است و نه انجام دادن کارهای نیک . لوتر با ابراز این نظر ، در واقع به جنگ با کلیسا برخاست  
و بعداً " بر پایه همین نظر خود بود که مسئله ( آموزش گناهان توسط کلیسا ) را در برابر پرداخت پول و  
انجام برخی خدمات ، مورد نقد قرارداد . او خدا را ( پدری مهربان ) می شمرد که بی هیچ  
چشمداشتی ، گناهان بندگانش را می بخشد .

۷۲- مارتین لوتر در دوره اصلاح دینی چه مسائلی را مطرح ساخت ؟  
۱- اولین مسئله ای که ذهن او را به خود مشغول کرد ( ارتباط ایمان با انجام دادن کارهای نیک )  
بود . اودر طی مطالعات و تاملات گسترده خود در باب ( آیین مسیح ) و ( کتاب مقدس ) به این  
نتیجه رسید که برخلاف دیدگاه غالب کلیسایان ، آنچه مایه رستگاری انسان می شود ( ایمان )  
است و نه انجام دادن کارهای نیک . لوتر با ابراز این نظر ، در واقع به جنگ با کلیسا برخاست .  
۲- اوبعداً " بر پایه همین نظر خود بود که مسئله ( آموزش گناهان توسط کلیسا ) را در برابر  
پرداخت پول و انجام برخی خدمات ، مورد نقد قرارداد . او خدا را ( پدری مهربان ) می شمرد  
که بی هیچ چشمداشتی ، گناهان بندگانش را می بخشد .

۷۳- مارتین لوتر نظریات خود را در چند اصل تدوین و آنها را در کجا قرارداد ؟  
لوتر در سال ۱۵۱۷ م فهرستی از نظریات خود را در ۹۵ اصل تدوین کرد و بر در کلیسای ( ویتنبرگ )  
( شهری در کشور کنونی آلمان ) آویخت و از مردم خواست درباره آنها باهم گفتگو کنند .  
۷۴- طرفداران مارتین لوتر با چه عنوانی معروف شدند ؟ آنان به ( پروتستان ) معروف شدند .

۷۵- چرا طرفداران لوتر را پروتستان نامیدند ؟

پاپ ، با تکفیر لوتر ، از ( امپراتور مقدس روم ) خواست تا او را سرکوب کند ، اما ( شاهزادگان آلمانی ) از مارتین لوتر حمایت کردند و به ( پاپ ) و ( امپراتور ) اعتراض ( پروتست ) کردند . از این رو ، آنان به ( پروتستان ) معروف شدند . هر چند لوتر به دنبال تاسیس آیین و کلیسای جدیدی نبود ، ولی تلاش های او به تاسیس آیین و کلیسای پروتستان انجامید .

۷۶- چه کسانی اولین بار از مارتین لوتر در برابر پاپ و امپراتور مقدس روم حمایت کردند ؟

( شاهزادگان آلمانی ) از لوتر ( حمایت ) کردند و به پاپ و امپراتور ، اعتراض ( پروتست ) کردند .

۷۷- اصلاحات لوتر را چه کسی در خارج از آلمان دنبال کرد ؟

بعدها ، اصلاحات لوتر را در خارج از آلمان ، کسانی چون ( ژان کالون ) در ( سوئیس ) دنبال کرد .

۷۸- نهضت پروتستان چه پیامدهایی در اروپا داشت ؟

۱- نهضت پروتستان ، ( وحدت کلیسای کاتولیک ) را از میان برد .

۲- باعث بروز سلسله جنگهای مذهبی میان ( پروتستان ها ) و ( کاتولیک ها ) شد که بخش وسیعی از اروپا را فرا گرفت .

۳- این نهضت به تقویت ( پادشاهان ) و ( دولت های ملی ) و ( رشد اندیشه ملی گرایی ) در اروپا کمک فراوانی کرد .

۴- نهضت پروتستان باعث ( تضعیف قدرت کلیسای کاتولیک ) و ( کاهش نقش آن در زندگی مردم و جوامع اروپایی ) شد .

پایان درس ۱۶

استخراج و تنظیم از : دبیر تاریخ حسین عطازاده



## یادداشت ها :

یونانیان و رومیان قدیم این کلمه را به فرانسه اطلاق می نمودند . Gallia – Gaule  
( گالیا ، گل ) ( لغتنامه دهخدا )

در سرزمین کنونی فرانسه قومی به نام ( سلت Celt ) بود که در بسیاری از نواحی اروپا ساکن بودند . رومیان آنان را به ویژه سلت های ساکن فرانسه امروز را ( گال ) یا ( گل ) Gaul می نامیدند و سرزمین آنان نیز به این اسم موسوم بود .

۱ - تعدادی از گال ها در شمال ایتالیا بودند . رومیان به ( شمال ایتالیا و دامنه های جنوب آلپ ، ( گل این سوی آلپ Cisalpine Gaul ) می نامیدند .

۲ - دامنه های غربی و شمال آلپ در فرانسه امروز را ( Transalpine Gaul گل آن سوی آلپ ) می نامیدند .

با گسترش مسیحیت در روم به تبعیت از استان های رومی ، اسقف نشین های مسیحی نیز تاسیس شد ، از جمله ( اسقف نشین گل Diocese of Gaul ) بود که به زبان لاتینی رایج در اوایل قرون وسطی ( گالیا Gallia ) نیز خوانده شد .

از قرن سوم میلادی ، قوم ( فرانک Frank ) یکی از اقوام ژرمنی به قلمرو امپراتوری روم در گال ، هجوم آورد . این قوم که در کنار رود راین بود به دودسته تقسیم می شوند ، یکی ( فرانک های سالیان Salian ) یا فرانک های سالایی ( منسوب به رود سال ) و فرانک های ( ریپوئر Ripuer ) به معنای ( فرانک های ساحلی ) .

در اواسط قرن سوم میلادی ، ( فرانک ها ) موفق شدند بر ( گل . گالیا ) تسلط یابند و نام کنونی کشور ( فرانسه ) یا ( فرانکونی در زبان آلمانی ) از نام این قوم گرفته شده است . در اوایل قرون وسطی ، فرانک ها امپراتوری بزرگی تشکیل دادند و چون در اوایل قرن هشتم میلادی این امپراتوری سه قسمت شد ، قسمت غربی آن را که تقریباً " منطبق با ( فرانسه کنونی ) است به ( پادشاهی غربی فرانک West Frakidh Kingdim ) موسوم ساختند که چون پس از چندی ، پادشاهی فرانک ها منحصر به ( فرانسه کنونی ) شد ، به ( پادشاهی فرانک ) یا ( پادشاهی فرانسه ) معروف شد .

پادشاهی فرانسه در قرون وسطی برای اعمال حاکمیت بر تمامی خاک فرانسه کنونی ، فرازونشیب های فراوانی را به خود دید ، زیرا دو پادشاهی ( بورگوندی در غرب فرانسه ) و ( انگلستان در جنوب و شمال ، بخش هایی از فرانسه ) را در زمان هایی در اختیار داشتند . به نظرمی آید که به خاطر همین فرازونشیب ها تا پاسی از قرون وسطی نام ( گل ) در کنار ( فرانسه ) برای اطلاق بر تمامی ( سرزمین فرانسه ) معمول بود ، زیرا اعراب مسلمان که در اواخر نیمه اول قرون وسطی به اروپا رسیدند ، این سرزمین را ( گالیسی Galis ) می نامیدند . در اواخر نیمه اول قرون وسطی با تصرف اسپانیا به وسیله مسلمانان و رسیدن به خاک فرانسه و نیز با آغاز وادامه جنگهای صلیبی در اوایل نیمه دوم قرون وسطی ، کلمات ( افرنج . افرنجه . فرنچ . Efranjan . Efranjan . Efranjan ) در بین اعراب رایج شد . این کلمات که معنای واحدی داشت ، ماخوذ از کلمه ( فرانک Frank ) بود و چون در مرزهای شمال اسپانیا ، مسلمانان تنها با ( فرانک ها ) سروکار داشتند و عموم جنگجویان اولیه جنگهای صلیبی از فرانک ها و کشور فرانسه بودند ، برای مسلمانان کلمه ( فرنچ ) معادل با ( تمامی مردم اروپا ) گردید ، به طوری که یاقوت حموی ، اروپاییان را از نسل شخصی به نام ( افرنجش ) می دانست .

لغت ( فرنج ) در فارسی به صورت ( فرنگ ) در آمد و ایرانیان نیز تا این اواخر ( فرنگ ) را معادل با کلمه ( اروپا ) به کار می بردند ، به طوریکه ( فرنگی ) به معنای ( اروپایی ) و ( فرنگستان ) به معنای ( اروپا ) بود . ( دکتر رسول خیراندیش )

\*\*\*

اومانیسیم Humanism از کلمه Human به معنی انسان گرفته شده است .

انسان گرایی ( مکتب اصالت انسان ) یا ( انسان محوری ) .

لئوناردو داوینچی Leonardo da vinci

ژوکوند Goconda مونالیزا Monalisa میکل آنژ Michel Angelo رافائل Raphael

گالیله Galille کپلر Kepler ، نیکلاس کوپرنیک Nicoholas Copernicus

فرانسویس بیکن Francis Bacon دکارت Descartes ویلیام هاروی William HarveY

کریستف کلمب Kristof Kolomb یونان گوتنبرگ Johannes Gotenberg

اصلاح دینی Reformation آلبوکرک Albuquerque زمین مرکزی Geocentric

شاهزاده هنری ، Henry the Navigator ملقب به دریانورد ، پسر ( خوان اول ) پادشاه

پرتغال که با تاسیس مدرسه دریانوردی و ایجاد ناوگان دریایی پرتغال ، نقش مهمی در

اکتشافات جغرافیایی داشت .

فئودال Feudal صلیبیون Crusders پاپ اوربان دوم Pope Urban II

ساکسون Saxon انگل Angle ژرمن German شارلمانی Charlemagne

راجربیکن Roger bacon کاتولیک Catholic ارتدوکس Orthodox

فردریک دوم ( Fredrich II . Fredric II ) پترارک ( Petrarca . Petrarch )

لئوناردو داوینچی ( Davinci . Da vinchi ) دانته الیگری Dante

شوالیه Chivalier نجیب زادگان سوارکار . اشراف زادگان قرون وسطا که معتقد به جوانمردی ، وفاداری ، رفتارپهلوانی بوده و شجاع بودن ، بزرگترین افتخار آنان بود .

بورژوا ( Bourgeois . Bourgeva ) ساکنان شهرها ( شهرنشین )

شهرهای برج و بارودار اوایل قرون وسطا که گاهی ( بورگ ) خوانده می شدند .

بورژ ( Bourge ) از ( بورگوس ) زبان لاتین دوره قرون وسطی گرفته شده است .

( مدیچی Medici ) تفتیش عقاید ( انکیزیسیون ) Inquisition

بورژوا در قرون وسطا و اوایل رنسانس به طبقات متوسط شهری به ویژه تجار و سوداگران می گفتند . آنان ثروت خود را از طریق تجارت و صنعت و علم کسب کرده بودند .

بورژوا Borgeva اشراف زادگانی که بعدها اصطلاح بورژوازی به این گروه اطلاق شد .

پروتست ( Protest ) ، اعتراض و پروتستان Protestant از آن گرفته شد ( اعتراض کننده )

که در سال ۱۵۲۰ م عملا شاخه ای به نام مذهب پروتستان به شاخه های دیگر مسیحیت

( کاتولیک و ارتدوکس ) اضافه شد . ( ۱۵۱۷ - ۱۵۲۰ م )

سرف Serf از واژه لاتین Servus به معنی برده گرفته شده است ، ولی سرف ها در

قرون وسطا برده نبودند بلکه ( رعیت وابسته به زمین ) بودند . آنها زیر دست شوالیه ها

بودند و از محصولی که به دست می آمد سهم داشتند . و این نظام ( سرواژ ) یا سروداری

Servage گفته می شود . ( جیمز . آ . کوریک . قرون وسطای اولیه )

کنت Comte ، کنتس Comtesse زن کنت . ( لغت نامه دهخدا )

در زمان شارلمانی Charlemagne فئودال Feudal را کنت Count می نامیدند .

کنت Count لقب فرانسوی در برابر earl لقب انگلیسی است . ( Countess )

کنت ها به کمک نیروی نظامی خود ( شوالیه ) ها Chevalier که سواره نظام بودند بر ساکنان زمین های واگذاری حکومت می کردند . ساکنان زمین های واگذاری روستاییانی بودند که به کشاورزی می پرداختند و رعیت ( واسال ) فئودال محسوب می شدند . شوالیه Chevalier به معنی ( نجیب زاده سوارکار ) است . شوالیه ها ، نجیب زادگان قرون وسطی که در حقیقت اشراف زادگان آن دوره بودند ، آنها با فرا گرفتن فنون جنگ ، تمام عمر خود را صرف جنگجویی می کردند . از خصائل آنان رعایت جوانمردی ، وفاداری و رفتار پهلوانی بود . شجاع بودن ، بزرگترین افتخار آنان بود و به دنبال علم و ثروت نمی رفتند .

جیمز.آ. کوریک می نویسد : شوالیه های شارلمانی را پالادین ( پهلوان ) می نامیدند . در نظام فئودالی ، دونجیب زاده با هم توافق می کردند . یکی به عنوان ( واسال ) از ریشه سلتی به معنی ( خدمتگزار ) ، عهد می کرد یک رشته وظایف را که مهمترین آنها خدمت نظامی بود ، انجام دهد . نجیب زاده دیگر ، لرد ( ارباب ) یا سورزن ازواژه لاتین Sursum به معنی ( بالادستی ) ، واسال را مورد حمایت قرار می داد و نیازهای اصلی او را نظیر غذا و لباس تامین می کرد . ( جیمز.آ. کوریک . قرون وسطای اولیه )

واسال Vasal ( خدمتگزار ) و رعیت و باجگزار فئودال بود .

رنسانس ( Renaissance ) در دوره ملکه الیزابت اول در انگلستان جریان داشت . وی از هنر و دانش حمایت می کرد و با اکتشافات و فتح سرزمین های جدید دامنه نفوذ کشورش را افزایش می داد .

قرون وسطی به دوره میانی تاریخ اروپا از ( سقوط امپراتوری روم غربی در سال ۴۷۶ م ) تا ( سقوط امپراتوری روم شرقی یا بیزانس در سال ۱۴۵۳ م ) گفته می شود .

اصطلاح قرون وسطی را تاریخ دان ایتالیایی ( فلاویو بیوندو ) در قرن ۱۵م برگزید . از نظر بیوندو وسایرتاریخ نویسان ، ( قرون وسطی یا دوران میانه ) ، دقیقاً " یک دوره واسط درتاریخ جهان بود ، چرا که بین ( دوران کلاسیک تمدن یونان و روم ) و ( رنسانس ) قرار داشت . بااینکه تاریخ نویسان امروزی هنوز هم این دوره را قرون وسطی می نامند ، اما اینک می پذیرند که این هزارسال درتمامی تاریخ جهان یا حتی اروپا یک دوره واسط نبوده است . از نظر اکثر دانشوران امروزی ، قرون وسطی تنها ( بخشی از رشد تمدن غرب از یونان تا به امروز ) بوده است . ( جیمز.آ.کوریک . قرون وسطای اولیه )

انسان گرایی سیاسی را اولین بار در اوایل قرن ۱۵م ( لئوناردو برونو ) ایتالیایی که آن را ( زندگی فعال ) می نامید ، مطرح کرد .

لئوناردو برونو Leonardo Bruni ( حدود ۱۳۷۰م - ۱۴۴۴م )

انسان گرایی Humanism - ریشه این واژه humble ( humilis ) از واژه لاتین humus به معنی ( خاک ) یا ( زمین ) است .

( homo ) به معنی ( هستی زمینی ) ، و humanus به معنی ( خاکی ) یا ( انسان ) است

این واژه از آغاز در تقابل با سایر موجودات خاکی ( حیوانات ، گیاهان ) ، و مرتبه دیگری از هستی ها ، یعنی ساکنان آسمانی یا خدایان ( deus/divinus ، divinus ) قرار می گیرد .

در اواخر دوران باستان و قرون وسطی ، محققان و روحانیون میان ( divinitas ) به معنی

( حوزه هایی از معرفت و فعالیت که از کتاب مقدس نشئت می گرفت ) ، و

( humanitas ) ، یعنی ( حوزه هایی که به قضایای عملی زندگی دنیوی ) مربوط می شد

فرق گذاشتند ، چون حوزه دوم ، بخش اعظم الهام و مواد خام خود را از نوشته های رمی و به طور فزاینده از یونان باستان می گرفت ، مترجمان این آثار که معمولاً " ایتالیایی بودند خود را umanisti یا ( اومانیست ) نامیدند .

منظور گروه اول از Humanitas همان چیزی است که یونانیان آن را paideia می نامند

و منظور از آن ( آموزش علوم انسانی ) است . کسانی که مشتاقانه در پی یادگیری این مطالب هستند ، ( انسانی شده ترین ) افرادند ، ( حداکثر اومانیزم ) . زیرا دنبال کردن این نوع معرفت و تربیتی که از آن حاصل می شود ، فراتر از کلیه حیوانات به انسان داده شده است و به همین دلیل این رشته را humanitas ( علوم انسانی ) نامیده اند .

در زبان لاتین واژه humanitas را در معنای غیر از آنچه عامه تصور می کنند ، به کار می گیرند . مفهوم عامه از این واژه همان چیزی است که یونانیان آن را ( انسان دوستی ) philanthropia می نامند و آن بر نوعی روحیه و احساسات انسان دوستانه نسبت به کلیه انسان ها دلالت می کند . ( تونی دیویس ، اومانیزم )

انسان گرایی نیز مثل رنسانس از ایتالیا ظهور کرد . در بین نخستین انسان گرایان می توان Francesco Petrarca ( فرانچسکو پترارکا ) ی ایتالیایی را که به ( پترارک ) مشهور است ، نام برد . ( جیمز آ. کوریک . رنسانس )

امپراتوری مقدس روم ( Holy Roman Empire ( Empier - Empire )

در اروپای مرکزی ، به معنای اعم از سال ۸۰۰ م ( تاجگذاری شارلمانی در رم ) و به معنی اخص از سال ۹۶۲ م ( تاجگذاری اوتوی اول Otto I در رم ) تشکیل شد ، تا حمله ناپلئون به آلمان در سال ۱۸۰۶ .  
رایش اول Reich I ( از سال ۹۶۲ تا ۱۸۰۶ )

رایش دوم Reich II ( از سال ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۹ ) بیسمارک در سال ۱۸۷۱ امپراتوری آلمان را بنا نهاد

رایش سوم Reich III ( از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ ) از ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳ تا ۳۰ آوریل ۱۹۴۵

Moller Van den Bruk ( مولر وان دن بروک ) از طریق کتاب Das Dritte Reich که در سال ۱۹۲۴ منتشر شد ، این اصطلاح را رایج ساخت . ( رایش در زبان آلمانی به معنای امپراتوری است ) .

عصراکتشافات در سال ۱۴۲۱م هنگامی که هانری دریانورد (۱۳۹۴ - ۱۴۶۰) شاهزاده پرتغال ، در جستجوی راهی برای دورزدن آفریقا و رسیدن به آسیا ، کشتی هایی را به جنوب گسیل داشت ، آغاز شد .

اومدرسه ای برای دریانوردی و تهیه نقشه در ساگرس Sagres در دماغه St. Vincent

( سنت و نسان ) ، جنوبی ترین نقطه پرتغال که منطقه ای صخره ای است بنا کرد .  
ژان دوم ، پادشاه پرتغال در اواخر سال ۱۴۸۷ هیئت اکتشافی بارتولومئو دیاش ( بارتلمو دیاز) را برای دورزدن قاره آفریقا گسیل داشت . در فاصله ۵۲۰ مایلی شمال غربی انتهای تیز قاره آفریقا طوفان شدیدی کشتی ها را به سوی دریا برد ، چندین روز در دریا سرگردان بودند ، سرانجام در اوایل ژانویه ۱۴۸۸ موفق شدند خود را به ساحل نزدیک کنند . آنها در خلیج وسیع موسل در بخش غربی دماغه انتهای آفریقا بودند . آنان حرکت خود را به سوی شمال شرقی سواحل قاره آفریقا ادامه دادند ، تا آنکه ملوانان نگران و آشفته او را وادار به بازگشت نمودند . همین که برای دومین بار به نوک تیز انتهای قاره آفریقا رسیدند ، این بار آن را به چشم خود دیدند . دیاش ، آن را ( دماغه طوفان ها ) نام نهاد . ولی آنگونه که جان . آر . هیل تاریخ نگار می گوید :  
شاه ژان به آینده ای نگریست که دیاش آن را امکان پذیر ساخته بود ، بنابراین نام دماغه امید نیک را بر آن نهاد . ( سارا فلاورز . عصراکتشافات )

در سال ۱۴۸۸ ( اواخر ۱۴۸۷م ) Bartolomeu Dias بارتلمو دیاز ، ( حدود ۱۴۵۰ - ۱۵۰۰ )

دماغه امید نیک را دور زد و ده سال بعد از آن گروه اکتشافی پرتغالی تحت فرماندهی واسکو دو گاما Vasco da Gama ( حدود ۱۴۶۰ - ۱۵۲۴ ) با پیروی از راه بارتلمو دیاز به

هند رسید و راه دریایی هند را کشف کرد ( ۱۴۹۸ م ) . ( جیمز . آکوریك . رنسانس )

ناوگان دریایی واسکو دو گاما در تاریخ ۸ ژوئیه ۱۴۹۷ رودخانه تاگوس در پرتغال را ترک گفت . او اوایل سپتامبر ۱۴۹۹ به پرتغال رسید و در خیابان های لیسبون استقبال رسمی به عمل آمد . پرتغالی ها برای استفاده از اطلاعات او وقت تلف نکردند . در ماه مارس ۱۵۰۰ نخستین کاروان کامل تجارتي ، سفر خود را به سوی هندوستان آغاز کرد .



اوایل عصر اکتشافات ( سرزمین های هندی ) شامل چین ، ژاپن ، تایلند ، اندونزی ، و تمام مجمع الجزایری می شد که در ناحیه آن سوی شبه قاره هندوستان قرار دارند . بعدها اصطلاح ( هند غربی ) شامل جزایر دریای کارائیب و ( هند شرقی ) شامل جزایری می شد که در شمال اقیانوس آرام قرار دارند . نقشه ( کریستف کلمب ) آن بود که یک راه دریایی کوتاه به این جزایر را بیابد .

کریستف کلمب Christopher Columbus پس از انتظاری طولانی در اواخر دسامبر ۱۴۹۱ در برابر فردیناند و ایزابل حضور یافت ، ولی آنها پیشنهادات وی را نپذیرفتند و او آماده شد اسپانیا را ترک کند که یکی از مشاوران ملکه به نام ( لویس د سانتاندر ) به ملکه توصیه کرد تا فرصتی به او بدهد و ملکه پذیرفت .

بهار سال ۱۴۹۲ کریستف کلمب به پالوس در جنوب اسپانیا رفت و سه کشتی اجاره کرد ، ( نینیا ) ، ( پینتا ) و ( سانتاماریا ) ، کشتی فرماندهی کلمب .

این کاروان روز ۳ اوت ۱۴۹۲ اسپانیا را ترک کرد . برنامه شان این بود که ابتدا به سوی جزایر قناری ( کاناری ) بزرگ و سپس به سوی مغرب بروند . ولی کشتی ( پینتا ) نیاز به تعمیر پیدا کرد و کلمب احتمال خرابکاری داد . آنان روز ۶ سپتامبر ۱۴۹۲ رهسپار شدند . چند هفته بعد در شب ۱۱ اکتبر ۱۴۹۲ کریستف کلمب دریادداشت هایش نوشت : من چیزی دیدم که تصویری کنم نور باشد .... اما فقط چند نفر قبول کردند که این می تواند نشانه ای از خشکی باشد ، اگر چه من مطمئنم به خشکی نزدیک شده ایم . ساعت ۲ بامداد روز ۱۲ اکتبر ۱۴۹۲ ( رودریگو د تریانا ) ، دیده بان کشتی پینتا ، خشکی را مشاهده کرد . با طلوع بامداد کریستف کلمب و چند نفر دیگر قدم به خشکی گذاشتند .

این جزیره که در باهاماس قرار داشت ، سان سالوادور ( نجات دهنده مقدس ) خوانده شد کریستف کلمب پنداشت که به جزایر هند رسیده است و این جزیره کوچک جایی نیست که دنبالش می گردد . چند روزی جزایر اطراف را گشت و با بومیان آنجا که خود را مردم ( تائینو ) می خواندند ملاقات کرد ( تائینو Taino ) ها زینت های طلایی کوچک به خود آویخته بودند و از این مسئله اطمینان یافت که به نزدیکی چین و ژاپن رسیده است .

بومیان به زبان ایما و اشاره به کریستف کلمب اطلاع میدادند که جزیره بسیار بزرگتری در جنوب این نواحی قرار دارد که آنها آن جزیره را کولبا یا کوبا می نامیدند . کریستف کلمب نتیجه گرفت که اوبه شرقی ترین لبه قاره آسیا رسیده است و اندیشید که این جزیره بزرگ باید جیبانگو یا ژاپن باشد .

روز ۲۷ اکتبر ۱۴۹۲ از دورسواحل کوبا را دید و چند هفته در سراسر سواحل شمالی جزیره کشتی راند و در آنجا به جای شهرهای بزرگ ، روستاهای کوچکی یافت که از کلبه هایی تشکیل شده بودند . ولی ملوانانش چیزی یافتند که در آینده اثر عمیقی بر اروپا و جهان می گذاشت و آن تنباکو بود . کلمب دو ماه دیگر در آنجا ماند و اطراف باهاماس ، کوبا ، هیسپانیولا ( هائیتی و دومینیکن ) امروز را گشت . صبح کریسمس کشتی سانتاماریا در کنار دماغه هائیتی به گل نشست و شکست ، از چوب های آن قلعه ای ساختند و کلمب چهل تن ارملوانان را مامور کرد در آنجا بمانند و این نخستین استقرار اروپاییان در امریکا بود . او دریافت که زمان بازگشت فرا رسیده است .

آنها روز ۳ مارس ۱۴۹۳ به بندر لیسبون رسیدند .

فردیناند و ایزابل بی درنگ موافقت کردند که کلمب را بار دیگر به آن سرزمین ها اعزام کنند تا اکتشافات بیشتری انجام دهد .

کریستف کلمب در سال ۱۴۹۸ در سفر سوم خود در ترینیداد قدم به خشکی نهاد . او هنوز فکرمی کرد در نزدیکی کشور چین است .

ملکه ایزابل ، کریستف کلمب را در سال ۱۵۰۲ به چهارمین و آخرین سفرش به امریکا اعزام کرد و او به سوی امریکای مرکزی رفت . در بازگشت یک سال در جامائیکا توقف کرد زیرا کشتی سوراخ شده بود ، پس از تعمیر آن در سال ۱۵۰۴ به اسپانیا بازگشت .

کریستف کلمب در سال ۱۵۰۶ درگذشت . ( سارا فلاندرز . عصر اکتشافات )

اشتباه کلمب تا یک دهه معلوم نشد . در سال ۱۵۰۱ تا ۱۵۰۲ یک ایتالیایی دیگر به نام

آمریگو وِسپوچی Amerigo Vespucci که برای پرتغال کار می کرد ، از روی نقشه ،

ساحل برزیل را بررسی کرد و متوجه شد سرزمینی که در سمت غرب قرار گرفته ، آسیا نیست بلکه قاره دیگری است و این قاره را ( سرزمین جدید ) نامید .  
جیمز.آ.کوریك . رنسانس

نوشته های آمریگو وسپوتچی باعث شد که مارتین والدز مولر Martin Waldseemuller نقشه بردار بزرگ در سال ۱۵۰۷ پس از طراحی نقشه سرزمین های جدید ، پیشنهاد نماید که نام وسپوتچی ( یعنی آمریگو ) به این ( قاره جنوبی ) اطلاق شود .  
چند سال بعد بروی نقشه جهان نمای ( گاردوس مرکاتور ) Grardus Mercator که نقشه بسیار بزرگی بود ، نام امریکا به ( قاره شمالی ) نیز اطلاق شد .

امریگو وسپوتچی در نوشته هایش به خاطر به کار بردن یک نیرنگ اندکی گناهگار بود . او نوشته بود که چهار بار به سرزمین های جدید سفر کرده است ، در حالیکه دوبار سفر کرده بود . نیرنگ دیگر ، تحریف تاریخ سفر هایش بود . او نوشته بود که در سال ۱۴۹۷ به سواحل این قاره سفر کرده ، یعنی یک سال پیش از چهارم ( سفر سوم ) کریستف کلمب ( ۱۴۹۸ ) .  
( مثل اینکه در اینجا اشتباهی صورت گرفته ، چون يك سال پیش از سفر چهارم نوشته ، در حالیکه به نوشته خود ، سفر چهارم او در سال ۱۵۰۲ بوده و در سال ۱۵۰۴ بازگشته است )

فرناؤ د ماژالاس سوسا Pernaو de Magalhaes e Sousa معروف به ( فردیناند ماژلان ) در حدود ۱۴۸۰ در پرتغال به دنیا آمد .

ماژلان در تاریخ ۱۰ اوت ۱۵۱۹ در مراسم چشمگیر خدا حافظی در شهر سویل سوگند وفاداری به شارل پنجم ( شارلکن ) پادشاه اسپانیا و امپراتور مقدس روم یاد کرد . کاروان دریایی او که متشکل از پنج کشتی بود ، فقط سه کشتی از تنگه جنوبی ترین نقطه قاره امریکا که تنگه ماژلان نامیده شد ، گذشته و آنها در ۲۸ نوامبر ۱۵۲۰ وارد اقیانوس آرام شدند .  
( سارا فلاورز . عصر اکتشافات )

\*\*\*

پیدایش اسپانیا :

ایبری Iberia کهن ترین نام اسپانیا است و آن نیز به خاطر سکونت قومی به این نام در آن سرزمین بوده است . هم اکنون شبه جزیره ای را که اسپانیا و پرتغال در آن واقع شده اند ، ( شبه جزیره ایبری Iberian Peninsula ) می نامند .

با ورود سلت ها Celt ( کلت ) ها به آن سرزمین و در آمیختن با ( ایبری ها ) ملت ( سلتیبریان ) سلت ایبریان ، به وجود آمد که نام عمومی ساکنان قدیم اسپانیا بوده است . ظاهراً " کلمه ( ایبری ) ، در ابتدا به شمال شبه جزیره کنونی ایبری گفته می شد و جنوب آن را ( تارزیس ) می نامیدند . با رسیدن فینیقی ها در هزاره اول قبل از میلاد ، آنان برای اولین بار این سرزمین را ( هیسپانیا Hispania ) نامیدند و رومیان پس از تسلط بر آن ، ( هیسپانیا ) را رواج دادند که نام ( اسپانیا ) از آن گرفته شده است .

آن سرزمین در پایان حیات امپراتوری روم غربی ، صحنه تاخت و تاز اقوام متعددی چون ( گات ) ها Goth و ( وانداال ) ها Vandal گردید که در پی این حملات ، پادشاهی گات در آن سرزمین تاسیس شد و قسمت هایی از جنوب آن به علت نام ( وانداال ها ) ( Vandals ) به ( واندلوزیا Vandalosia ) شهرت یافت .

اعراب مسلمان در اواخر قرن اول هجری ، پادشاهی گات را شکست داده و آن سرزمین را تصرف کردند و آن را ( اندلس Andalus ) یا ( آندلس Andalus ) نامیدند که صورت دگرگون شده ( واندلوزیا ) است . نام ( آندلس ) معادل ( اسپانیای مسلمان ) است . ( دکتر رسول خیراندیش )

سپاهیان طارق با وجود عده قلیل در سال ۹۲ ( ۷۱۱ م ) در محل ( شریش Xeres ) به فتحی بزرگ نایل آمدند و در نتیجه این فیروزی جلگه حاصلخیز جنوب شرقی شبه جزیره ایبریا به دست ایشان افتاد . این جلگه را مردم محلی به نام یک طایفه از وحشیان ژرمنی

یعنی ( واندال ها ) که در آنجا سکونت گزیده بودند ، ( واندالوزیا Vandalousia ) می خواندند . مسلمین این کلمه را معرب کرده ، ( اندلس ) Andalus گفتند . بنابراین ، ( اندلس ) ، عربی شده ( واندالوزیا ) است و منظور از به کاربردن آن ، رساندن ( اسپانیای مسلمان ) است و معادل آن می باشد .

اندلس در زمان خلافت امویان به تصرف اعراب مسلمان درآمد . در سال ۷۱۱م ( ۹۲ هجری ) در زمان خلافت ولید بن عبد الملک ( ولید اول ) سپاهی مرکب از عربها و بربرها به قصد فتح آن سرزمین اعزام شدند . اسپانیا از جنوب به وسیله آبراهی از خاک آفریقا جدا می شود و در دوره اقتدار امپراتوری روم جزئی از قلمرو روم بود . سپس ( واندالها ) وارد اسپانی شده و مدتی در نواحی جنوبی آن ساکن شدند . به این جهت آن نواحی ( واندالوزیا ) و سپس ( اندلس ) نامیده شد . زمانی که سپاه مسلمانان متشکل از ( عربها و بربرها ) عازم اندلس شدند قوم ( ویزیگوت ها ) به جای واندال ها ساکن آن ناحیه شده بودند و در میان آنها اختلافات داخلی شدیدی وجود داشت ، بنابراین تعدادی از آنها از مسلمانان حمایت کردند .

شمال آفریقا که جزئی از قلمرو امپراتوری روم شرقی بود ، در زمان خلافت عمر ، سال ۲۰ هجری به دست اعراب مسلمان افتاد . البته علی غفوری سقوط مصر را به دست عمرو عاص ۱۹ هجری ( سال ۶۴۱ م ) می نویسد که در پی حمله او در ( ام دین ) نزدیک قاهره امروزی و رسیدن چهارده هزار نیروی کمکی و عقب نشینی هراکلیوس انجام شد . پیشروی اعراب مسلمان در شمال آفریقا ادامه یافته و به انتهای غرب آفریقا رسیدند و آنجا را ( مغرب الاقصی ) نامیدند ، به این سبب است که کشور ( مراکش ) را ( مغرب ) نامیدند .

نام مراکش از ( مور Moor ) گرفته شده و آن نامی است که رومیان بر ساکنان ( قسمت غربی شمال آفریقا ) اطلاق می کردند ، چنانکه آنان کشور ( مغرب ) را ( موریتانی ) می نامیدند که کشوری وسیع تر از امروز بود .

اروپائیان ، اعراب مسلمان را که از طریق مراکش ( مغرب ) وارد اسپانیا شده بودند ( مور ) می نامیدند . بنابراین ، ( مور ) در زبان های اروپایی هم به معنای ( مسلمان ) و هم به معنای ( عرب ) است و بدین جهت مغرب را که مسکن اعراب مسلمان شده بود ( موراگو ) یعنی کشور ( مورها ) نامیدند .

در شمال تنگه میان مراکش و اسپانیا ، کوهی وجود دارد که رومی ها آن را ( ستونهای هرکولس یا هرکول ) می نامیدند . ( طارق بن زیاد ) که از فرماندهان زیر دست ( موسی بن نصیر ) بود ، چون

در سال ۷۱۱ م تصمیم گرفت از تنگه گذشته و خود را به جنوب اسپانیا برساند . ولید بن عبدالملک خلیفه اموی و عبدالرحمن موسی بن نصیر ، والی افریقا ( افریقیه ) با این تصمیم موافق بودند ولی آن را عملی نمی دانستند . اما طارق در سال ۷۱۱ م ( ۹۲ هجری ) با هفت هزار نفر ( به نوشته مولف الاعلام ، دوازده هزار نفر که بیشتر بربر بودند ) از آبراه میان مغرب ( مراکش ) و اسپانیا گذشت و در آن کوه مستقر شد . به این سبب ، آن کوه را کوه طارق ( جبل الطارق ) ، و آن آبراه را ( تنگه جبل الطارق ) نامیدند . این تنگه ، مدیترانه را به اقیانوس اطلس متصل می کند .

به گفته مولف الاعلام ، پس از سوزاندن کشتی های حامل لشکریان اندلس و پیکار با ( ردریگ ) پادشاه آنجا ، نشیب و فراز ( اندلس ) را در نوردید و ( طلیطله Toledo ) پایتخت آنجا را فتح کرد ( ۷۱۹ ) و ردریگ Rodrgiue پادشاه ویزیگت ها Visigothes کشته شد .

ابوحنیفه دینوری در اخبار الطوال ، ( موسی بن نصیر ) استاندار عبدالملک مروان ( خلیفه اموی ) در اندلس را ایرانی نوشته است و از وابستگان قبیله قیس . احمد مقری نیز ( طارق بن زیاد بن عبدالله ) را ایرانی و از مردم همدان آورده است . ( در برابر آنان که طارق را غلام و از موالی موسی بن نصیر خوانده اند ، به گفته برخی وی از موالی موسی بن نصیر نبوده بلکه از مردم صدف در پنج فرسنگی قیروان بوده و برخی هم او را بربر و از مردم نفزه دانسته اند ) .

گات های غربی ( ویزیگوت ها ) را شکست داد و به گفته ابوریحان بیرونی ، پادشاه آن را در میدان جنگ کشت و به سرعت در خاک اندلس پیشروی کرد . ولی در پی تحولاتی که در دمشق روی داد و ( سلیمان بن عبدالملک ) به خلافت رسید ، برای بدست آوردن اموال موسی بن نصیر ، او و طارق را به دمشق فرا خواند . موسی بن نصیر زندانی شد و بسیاری از اموال خود را تحویل خلیفه داد و با تحمل سختی های فراوان درگذشت . اما از طارق بن زیاد خبری به دست نیامد . در نتیجه فتوحات طارق ناتمام ماند . جنگهای اسپانیا سه سال طول کشید و جزیک رشته کوه در شمال آن کشور به تصرف اعراب درآمد و پیروزی طارق سبب حکومت ۳۰۰ ساله اعراب بر اسپانیا شد و این آخرین پیشروی امرای عرب در کشورهای جدید بود . مسلمانان تا سال ۷۱۸ م ( ۱۰۰ هجری ) به کوه های پیرنه در شمال اسپانیا در مرز فرانسه رسیدند .

اما در ناحیه جنوب فرانسه ، در سال ۷۳۲ م ( ۱۱۴ هجری ) در جنگ ( تور Tour ) ، شارل مارتل پدر بزرگ ( شارلمانی ) پیشروی آنان را متوقف ساخت . پس از آن مسلمانان از فرانسه عقب نشستند ، چنانکه تا سال ۷۵۹ م ( ۱۴۲ هجری ) به جنوب کوههای پیرنه عقب نشینی کردند .

جریان آن چنین بود که :

عبدالرحمن غافقی ( ابوسعید عبدالرحمن بن عبدالله بن بشر بن الصارم الغافقی ) امیراندلس از فرماندهان بزرگ ، ازقبیله ( غافق ) یمن در زمان سلیمان بن عبدالملک اموی نزد اورفت و در زمانی که موسی بن نصیر و پسرش عبدالعزیز دراندلس بودند ، به آنان پیوست و در آنجا به فرماندهی سپاهیان ساحل شرقی اندلس تعیین شد . او برای فتح گالیا ( گالیا ) ، جنگجویان عرب را از شام و یمن و مصر و افریقا به یاری خواست . در سال ۷۱۳ م ( ۹۴ هجری ) اعراب از کوههای پیرنه گذشتند . عبدالرحمن غافقی نیروهای خود را تا شهر ( پواتیه Poitiers ) رساند . جنگی عظیم و خونین در نزدیکی رودخانه ( لوار Loir ) بین او و ( شارل مارتل Charles Martel ) در گرفت و

عبدالرحمن در جنگ کشته شد . این شکست به دلیل قطعیت سبب شد تا امویان و پس از آن عباسیان به دنبال دستیابی به سرزمین های جدید در اروپا نباشند . در پی این جنگ تعیین کننده ، اروپایان ، شارل مارتل را به عنوان یک قهرمان می ستایند و او را ناجی اروپا می دانند .

در سال ۷۵۰ م ( ۱۳۲ هجری ) نیروهای ابومسلم خراسانی سردار ایرانی سپاهیان آخرین خلیفه امویان ، مروان بن محمد ( مروان دوم یا مروان حمار ) را به طور قطعی شکست دادند و او به موصل و سپس به مصر گریخت و در آنجا به قتل رسید و با کشته شدن او خلافت اموی سقوط کرد .



عبدالرحمن ( اول ) یکی از بازماندگان هشام بن عبدالملک ( خلیفه دهم اموی ) از قتل عام عباسیان پس از چند سال سرگردانی ، ( در سال ۷۵۴ م - ۱۳۷ هجری وارد اندلس شد ) و از اغتشاش اسپانیا و اختلاف میان بربرها قبایل عرب استفاده کرده و مصمم شد دستگاه خلافت برای خود ترتیب دهد .

عبدالرحمن اول در سال ۷۵۶ م ( ۱۳۸ هجری ) خلافت ( امویان اندلس ) را بنا نهاد که مدت دو قرن در اندلس به حکومت پرداخت ( ۱۳۸ - ۴۲۲ هجری ) ( ۷۵۶ - ۱۰۳۱ م ) .

امویان اندلس تا مدتی عنوان ( امیر ) یا ( سلطان ) داشتند و ( عبدالرحمن سوم ) در سال ۹۲۹ م ( ۳۱۷ هجری ) عنوان ( خلیفه ) اختیار کرد .

قرطبه پایتخت خلافت امویان اندلس ، قرطبه ( Cordoba Cordoue ) Cordova بود .



با سقوط قرطبه در سال ۱۰۳۱م ( ۴۲۲ هجری ) خلافت امویان اندلس منقرض شد .  
آخرین دولت مسلمان اندلس ، ( دولت بنی نصر ) بود که پایتخت آن ( اَغرناطه ) یا  
غرناطه ( Grenade ) Granada بود . که در سال ۱۴۹۲ سقوط کرد .

صاحب « عباب » اَغرناطه را با الف صحیح دانسته و حذف الف لغت عامی است ، شیخ ما  
گوید : غرناطه غلط نیست بلکه شهر به هر دو نام نامیده شده است و معنای آن به زبان  
اندلسی و به قول بعضی ، به زبان عجم ، اندلس انار است . به نوشته صاحب قاموس الاعلام  
این شهر در دامنه سه تپه مزین به خانه ها قرار گرفته و به انار شباهت پیدا کرده است و به  
همین جهت آن را غرناطه ( به معنی انار ) نامیده اند . یاقوت حموی در المعجم البلدان  
می گوید : به قول بعضی ، صحیح آن ( اَغرناطه ) است و عامه الف آن را انداختند ،  
چنانکه در کلمه ( البیره ) به جای آن ( لبیره ) به کار می برند .

قبل از غرناطه ، شهر ( البیره ) به جای آن بود . فاصله غرناطه از ( البیره ) چهار فرسخ ،  
و از قرطبه سی و سه فرسخ است .



طلیطله ( از ۷۱۲م تا ۱۰۸۵م ) قریب چهار قرن در تصرف عرب بوده است .  
در معجم البلدان یاقوت حموی و صاحب الحلال السندسیه آمده است :  
این شهر در وسط اسپانیا واقع شده و اصل بنای آن بسیار کهن است . چنانکه گویند این  
شهر پایتخت کارپتینیان Carpetani بوده و نام آن در کتاب مورخ رومی ( تیتلف ) آمده و  
او آن را ( طلیطم Toleteum ) خوانده است . رومی ها در سال ۱۹۲ ق . م . بر آن تسلط  
یافتند و در زمان گت ها ( ویزیگات ها Visigths ) ، اتانجلد ، پادشاه آنان در سال ۵۶۷م  
شهر مزبور را پایتخت خود قرارداد . از آن پس تا دوران تسلط عرب ، طلیطمه پایتخت  
اسپانیا بود . لیکن تازیان بر خلاف گت ها ، طلیطمه را پایتخت خویش قرار ندادند . هر چند



آن شهر را نسبت به به دیگر شهرهای اسپانیا در مرکز آن کشور یافتند ، لیکن شهر مزبور نسبت به مقر فرمانروایی اعراب مرکزیت نداشت و آنها نمی توانستند از افریقیه مسافت بسیاری دور شوند . از این رو ، نخست ( اشبیلیه ) و سپس ( قرطبه ) یا همان ( گرانادا ) را مرکز امارت خود قرار دادند .

اشبیلیه ( Sevilla ) یا ( سویل Seville ، Xevilla ) و معجم البلدان ایسپالیس Hispalis نوشته است .

دودولت مسیحی در اندلس وجود داشت :

ایزابلا ( ایزابل اول ) ، ملکه کاستیل Castille . Castle . Castilla

فردیناند دوم ، پادشاه آراگون Aragon . Arragon

فردیناند و ایزابل در سال ۱۴۷۹ م با یکدیگر متحد شدند و پادشاهی اسپانیا را بنا نهادند . و ( غرناطه ) پایتخت دولت ( بنی نصر ) ، آخرین دولت مسلمان اندلس در سال ۱۴۹۲ م ( ۸۹۸ هجری قمری ) به دست مسیحیان سقوط کرد که همزمان با رسیدن کریستف کلمب به قاره جدید بود ، به این ترتیب دولت اسپانیا به وجود آمد .

\*\*\*

ایزابلا ( ایزابل اول ) و فردیناند دوم با هم ازدواج کردند و آنان دختری به نام ( جوانا ) داشتند که با ( فیلیپ ) ولیعهد اتریش ، ازدواج کرد و فرزند آنان شارل پنجم ( شارلکن )

Charles Quint بود که در سال ۱۵۱۹ م پادشاه اسپانیا و به عنوان امپراتور مقدس روم

برگزیده شد .

گات ها ( گت ها . گوت ها ) Goths یا Gothes به دوشاخه تقسیم می شوند :

ویزیگات ها ( گات های غربی ) Visigothes در قرن دوم درجایی ساکن شده بودند که بعدها

( رومانی ) شد . آنها ۲۰۰ سال در آنجا با کشاورزی و شکار می زیستند و با امپراتوری روم به تجارت می پرداختند . در حدود ۳۷۶م ( هون ها ) که از دشت های مرکزی آسیا به اروپا هجوم آوردند و آنان را از سرزمین خود بیرون راندند و آنها به جنوب رانده شده از رود دانوب گذشتند و وارد سرزمین های روم شدند و به نیمه شرقی امپراتوری رسیدند و نیروهای روم شرقی را شکست داده و امپراتور را کشته و با امپراتوری روم غربی وارد معامله شدند . امپراتور روم غربی به آنان اجازه داد در سرزمین های جنوب رود دانوب ساکن شوند . این توافق باعث ناخشنودی ژرمن ها شد .

ویزیگاتها به رهبری ( آلاریک ) در سال ۴۲۰م به شمال ایتالیا هجوم برده و تا ۴۰۹م به اعماق ایتالیا نفوذ کردند . شهر ( رم ) را گرفتند و سه روز به غارت پرداختند ، سپس آلاریک درگذشت . ویزیگاتها دوباره به شمال بازگشتند و این بار سرزمین گال را مورد حمله قرار دادند . مقامات روم ، طی معامله ای با آنها ، ناحیه ( آکیتن ) در جنوب گال را به عنوان پادشاهی جداگانه گوتیک به ژرمن ها واگذاشتند . ویزیگاتها نیز پادشاهی خود را در سمت جنوب تا داخل ( اسپانیا ) توسعه دادند . زمانی که آلاریک ایتالیا را درمی نوردید ، سایر ژرمن ها از جمله ( واندال ها ) از راین گذشته با تاخت و تاز و غارتگری راه خود را به سوی ( گال ) و ( اسپانیا ) گشودند . برخی از این بربرها ، زمین های امپراتوری را گرفته و در آنجا استقرار یافتند ، اما ( واندال ها ) تا داخل آفریقای شمالی راه خود را ادامه دادند و در سال ۴۳۹م در ( کارتاژ ، که عربها قرطاجنه نوشته اند ) شهر باستانی و دشمن دیرینه روم ، پادشاهی کوتاه مدتی برپا ساختند .

واندالها ( Vandal ) در سال ۴۵۵م به رم حمله کرده و با نبرد دریایی آن را تصرف کردند .

به گفته جیمز کوریک ، واژه ( واندال ) به معنای ( کسی که به صرف سرگرمی همه چیز را ویران می کند ) به ما رسیده است . اما واندالها ویرانگرتر از ویزیگاتها نبودند . ویزیگاتها ، واندالها ، هون ها ، ایتالیا را در نوردیدند ، سپس رها ساختند .

استروگات ها ( گات های شرقی ) Ostrogothes وارد ایتالیا شدند و ماندند و کوشیدند بقایای

( امپراتوری روم غربی ) را به صورت چیزی شبیه همتای کهن آن بازسازی کنند .

استروگات ها ، از همان منطقه ای برآمدند که ویزیگاتها برآمده بودند . اما زیستگاه آنان ، شرقی تر بود ، ( به این جهت به تسخیر هون ها درآمده بود ) . آنان در اواخر قرن پنجم از حکومت هون ها جدا شدند و به سوی غرب ، به جانب امپراتوری روم غربی به حرکت درآمده که پایتخت آن به ( راون ) در دریای آدریاتیک انتقال یافته بود .

زنون ، امپراتور روم شرقی در سال ۴۸۸م از آنان خواست به ایتالیا حمله کنند . ( اودو آکر ) یک غیر رومی بربر ، فرمانروای روم غربی بود و با اجازه امپراتور روم شرقی حکومت می کرد . زنون به این طریق می خواست ( وارنا ) را از دست ( اودو آکر ) خارج کند ، او این نقشه را مناسب می دانست ، زیرا هم ( اودو آکر ) را مشغول می کرد و هم از شر استروگاتها را خلاص می شد .

استروگاتها به رهبری ( تئودوریک ) پایتخت امپراتوری روم غربی را تصرف کردند و ( اودو آکر ) را نیز کشتند . این استروگات ، به عنوان ( تئودوریک کبیر ) مانند ( اودو آکر ) خصلت رومی امپراتوری روم غربی را حفظ کرد .

ویزیگاتها حدود ۳۸۰م متوجه قسطنطنیه شدند و در سال ۳۹۶م یونان را گرفتند . در سال ۴۱۰م روم را تاراج و در ۴۲۰م به اسپانیا رسیدند . استروگاتها در سال ۳۸۲م در آسیای صغیر و در ۴۹۲م در ایتالیا ظاهر شدند . واندال ها در ۴۲۹م تا ایالات افریقایی روم پیش رفتند . در سال ۴۲۸ یا ۴۲۹م واندال ها به رهبری ( گی سیریک Gaiseric ) وارد افریقا شده ، دولت واندلوز را به وجود آوردند و برای این کار ده سال با ارتش روم جنگیدند و شهر کهن ( کارتاژ Carthage ) را پایتخت خود قرار دادند .

پس از درگذشت وی ، دولت او روبه ضعف رفت و ( ژوستینین Justinian ) در سال ۵۳۳م دولت وی را برانداخت .

## منابع :

- ۱ - تاريخ مفصل ايران نوشته عباس اقبال آشتياني
- ۲ - صد جنگ بزرگ تاريخ نوشته علي غفوري
- ۳ - اخبار الطوال ابوحنيفه دينوري
- ۴ - ريشه يابي نام و پرچم کشورها رسول خيراندیش ، سیاوش شایان
- ۵ - رنسانس جيمز. آ. کوريك ترجمه آزيتا ياسائي
- ۶ - لغتنامه دهخدا علي اکبر دهخدا
- ۷ - قرون وسطاي اوليه جيمز. آ. کوريك
- ۸ - عصر اکتشافات سارا فلاورز ترجمه فرید جواهر کلام
- ۹ - تفتيش عقايد دבורا بکراش ترجمه مهدي حقيقت خواه

کانال تخصصی تاریخ من @tarikheman3